

هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی با تاکید بر سهامداران نهادی و تخفیف حق الزحمه حسابرسی

فاطمه رازمنش

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.
fatirazmanesh685@gmail.com

چکیده

پرداخت‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود متحمل می‌شوند. اجتناب مالیاتی به عنوان یک فعالیت خطرزا به شمار می‌رود که می‌تواند خساراتی برای سهامداران به همراه داشته باشد. اما مسئله نمایندگی و افزایش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها موجب افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود و از طرفی وجود سهامداران نهادی (عمده) منجر به کاهش مساله نمایندگی و به تبع آن کاهش هزینه نمایندگی را به همراه دارد. از طرف دیگر، با کاهش حق الزحمه حسابرسی ممکن است حساب‌برسان میزان رسیدگی‌های خود را کاهش دهند که منجر به تشدید رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی شود. اما در نبود شواهد علمی و تجربی مناسب، پژوهش حاضر به بررسی هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی با تاکید بر سهامداران نهادی و تخفیف حق الزحمه حسابرسی می‌پردازد. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۱۳۰ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۷ انتخاب و آزمون شده است. نتایج با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که هزینه نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد و تخفیف حق الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند. اما سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند.

واژگان کلیدی: هزینه نمایندگی، اجتناب مالیاتی، سهامداران نهادی و حق الزحمه حسابرسی.

مقدمه

اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است، یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. به عبارت دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات، به عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، تلقی می‌شود (رگو و ویلسون^۱، ۲۰۰۹ و هنلون و هتزمان^۲، ۲۰۱۰). به همین دلیل تعیین عوامل تاثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است (حاجیان نژاد و دانش سرارودی، ۱۳۹۸). لذا، این سوال قابل طرح است که عوامل تاثیرگذار بر اجتناب مالیاتی چه هستند. در پاسخ به این سوال پژوهش‌های زیادی انجام شده است که در آنها به متغیرهایی هم‌چون پیش‌بینی سود، ارزش شرکت و ... اشاره شده است.

¹ Rego & Wilson

² Hanlon & Heitzman

هزینه نمایندگی از این منظر قابل توجه است که به بررسی روابط بین مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان می‌پردازد (مارتینوا و رنه بوگ^۱، ۲۰۰۹). نظریه نمایندگی، رفتار طرف‌های مرتبط با شرکت را پیش‌بینی نموده و آن را توضیح می‌دهد. نظریه نمایندگی، شرکت را به صورت شبکه‌ای از روابط نمایندگی در نظر گرفته و در جستجوی درک رفتار سازمانی، از طریق بررسی این موضوع است که چگونه طرف‌های درگیر در روابط نمایندگی، می‌کوشند مطلوبیت خود را حداکثر کنند. در این بین، یکی از مهمترین روابط نمایندگی، رابطه بین گروه مدیریت و سهامداران شرکت است (جامعی و رمن، ۱۳۹۷). در واقع، مدیران توسط سهامداران شرکت استخدام می‌شوند تا فعالیت‌های شرکت را اداره کنند و به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود خواهد بود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). به همین خاطر رابطه نمایندگی به مشکلات و مسائل نمایندگی منتهی می‌شود که بر اساس نظریه نمایندگی دارای هزینه است. در نتیجه مالکان باید مخارجی را متحمل شوند تا منافع کارگزاران را با منافع خویش همسو نمایند. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید، هزینه نمایندگی نامیده می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

مدیران به سبب مشکلات نمایندگی در دو سر طیف واکنش به اجتناب مالیاتی، قرار می‌گیرند؛ یعنی اینکه یا بیش از حد محافظه‌کارانه عمل می‌کنند و یا بیش از حد جسورانه در برنامه مالیاتی درگیر می‌شوند (چن و چو^۲، ۲۰۰۵؛ دسای و دهارماپالا^۳، ۲۰۰۶ و کیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). به طور کلی، بر اساس نظریه فرصت‌طلبی مدیریت می‌توان عنوان داشت که مدیران فرصت‌طلب به بهانه اجتناب از پرداخت مالیات، منابع را در جهت منافع شخصی هدایت یا برداشت نمایند (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). این مساله موجب می‌گردد منافع اجتناب از پرداخت مالیات کمتر از هزینه‌های آن گردد و در نهایت این سهامداران خواهند بود که این هزینه‌ها را متحمل می‌شوند.

متعاقباً، تاثیر سهامداران نهادی و تخفیف هزینه حسابرسی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی غیر قابل اغماض بوده و اثر متمایزی می‌گذارد. سهامداران نهادی در افزایش کیفیت اطلاعات مالی و حسابداری، بهبود عملکرد شرکت و همچنین افزایش ارزش بازار شرکت از طریق کاهش هزینه نمایندگی مورد پذیرش عموم قرار گرفته است (المیر^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). شلیفر و ویشنی^۶ (۱۹۸۶) به این نکته اشاره می‌کنند که وجود یک سهامدار بزرگ با در نظر گرفتن منافع بلندمدت باعث کاهش مسئله نمایندگی و به تبع آن باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. همچنین، تخفیف هزینه حسابرسی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی اثرگذار است. گوپتا^۷ و همکاران (۲۰۰۹) و کارسون و فارگر^۸ (۲۰۰۷) نشان دادند حسابرسان با دریافت حق‌الزحمه حسابرسی کمتر از سطح استاندارد، میزان رسیدگی‌های (کاهش ساعات حسابرسی، اختصاص دادن کارکنان کم تجربه) خود را کاهش می‌دهند و به پیرو آن با کاهش رسیدگی‌ها احتمال دستکاری صورت‌های مالی توسط شرکت افزایش و هزینه نمایندگی تشدید و اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. با این تفاسیر سوال‌های پژوهش به شکل زیر تدوین می‌شود:

آیا هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است؟

آیا سهامداران نهادی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی اثرگذار است؟

آیا تخفیف هزینه حسابرسی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی اثرگذار است؟

¹ Martynova & Renneboog

² Chen & Chu,

³ Desai & Dharmapala

⁴ Kim

⁵ Elmir

⁶ Shleifer & Vishny

⁷ Gupta

⁸ Carson and Farger

مبانی نظری

در جهان امروز، اکثر مردم، از مالیات ترس دارند. از دیدگاه دولت، مالیات یکی از موضوعاتی است که برای دولت با اهمیت است، چون درآمد مالیاتی یکی از درآمدهایی است که بیشتر هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد. با این حال، از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای ذینفعان است. بنا به دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیت‌های خاصی در مقابل اصول کلی وضع مالیات و کاستی‌هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. در این صورت مؤدی می‌تواند از طریق راه‌های قانونی اقدام به اجتناب از مالیات نماید (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸ و محمودی و جبارزاده کنگرلویی، ۱۳۹۱). اجتناب از مالیات یک اقدام مدیریتی برای کاهش مالیات شرکتی پرداختی توسط مراحل خاص مطابق با قوانین مالیاتی است. بسیاری از شرکت‌ها فعالیت‌های بسیاری جهت اجتناب از پرداخت مالیات با هدف کاهش درآمد مشمول مالیاتشان انجام می‌دهند. از این رو، شرکت‌ها با فعالیت‌هایی مانند اجتناب مالیاتی در پی کاهش و به تعویق انداختن مالیات می‌باشند (کیان و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی، هزینه نمایندگی می‌باشد.

جنسن و مک‌لینگ^۱ (۱۹۷۶) اذعان می‌دارند که با جدا شدن مالکیت از مدیریت در شرکت‌ها، این امکان بالقوه وجود دارد که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع آنان و در جهت عکس منافع مالکان باشد. وقتی تضاد منافع بین سهامداران و مدیران به وجود می‌آید، سهامداران باید مخارجی را متحمل شوند تا منافع مدیران را با خود همسو کنند. آنجا که چنین مخارجی به واسطه شکل‌گیری رابطه نمایندگی به وجود می‌آید، هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود (ساویتری^۲، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، تئوری نمایندگی (کارگزاری) مربوط به موردی است که یک نفر مسئولیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی را طی قرارداد مشخصی به شخص دیگری واگذار می‌نماید. به بیانی دیگر، تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید. مشکلات نمایندگی بین مدیر و مالک و عدم تقارن اطلاعاتی سبب افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. با توجه به تفاسیر فوق فرضیه اول به شکل زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

عموماً اینگونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند بر مدیریت شرکت نظارت داشته و منافع گروه سهامداران را هم‌جهت کنند. در واقع، آنها به عنوان مالکین سهام همواره به دنبال به حداکثر رساندن ارزش سهامداران هستند. بر اساس فرضیه نظارت اثربخش، هر چه مالکیت نهادی از ابعاد گسترده‌تری برخوردار باشد، آنگاه سهامداران نظارت موثرتری را در قالب مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی گوناگونی نظیر قدرت رای‌دهی، مشارکت در امور و انتخاب اعضای هیئت مدیره اعمال خواهند نمود و بدین ترتیب، بر فرایند تصمیم‌گیری آن اعضا تأثیر مستقیم خواهند داشت (پاوند^۳، ۱۹۸۸).

مالکیت نهادی توانایی کنترل مدیریت را از طریق یک فرآیند نظارت موثر دارد به طوری که بر اقدام مدیریت برای اجتناب از مالیات تأثیر خواهد گذاشت، هر چه درصد مالکیت نهادی بالاتر باشد، سطح نظارت بر مدیر موثرتر خواهد بود به طوری که تضاد نمایندگی کاهش خواهد یافت و اجتناب از مالیات نیز کمتر خواهد بود. افزون بر استابلدان (۱۹۹۶) اظهار داشته‌اند که نظارت سهامداران نهادی می‌تواند در میان انواع وسیعی از ابزارها و نیروهای بازار که برای کاهش

¹ Jensen & Meckling

² Savitri

³ Pound

واگرایی میان منافع مدیران و مالکان عمل می‌کنند، تناسب ایجاد کنند. سهامداران نهادی با نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های شرکت سبب محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و کاهش هزینه نمایندگی و به تبع آن کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. از سوی دیگر، مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۴) و کرانا و موسر^۱ (۲۰۱۰) بر این عقیده‌اند که شرکت‌هایی با سطح مالکیت نهادی بالاتر عموماً از پرداخت مالیات، بیشتر اجتناب می‌کنند.

فرضیه دوم: سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

با جهانی شدن اقتصاد برای اخذ تصمیمات مناسب، نیاز به اطلاعات مختلفی احساس می‌شود. یکی از مهمترین منابع تامین اطلاعات، صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. آنچه موجب افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی می‌گردد، انجام یک حسابرسی با کیفیت است. پر واضح است که یکی از عواملی که کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، حق‌الزحمه‌های پرداخت شده به حسابرسان می‌باشد (غلامی‌گیفان و همکاران، ۱۳۹۸).

حق‌الزحمه حسابرسی هزینه اقتصادی است که به سازمان‌ها تحمیل و بر اساس مدت زمان لازم برای اجرای عملیات حسابرسی تعیین می‌گردد. حق‌الزحمه حسابرسی به صورت قرارداد بین حسابرس و صاحبکار پیش از آغاز کار حسابرسی داخل قرارداد گنجانده می‌شود (نونهال‌نهر و اکبرپور، ۱۳۹۸). خدادادی و همکاران (۱۳۹۸) و واعظ و همکاران (۱۳۹۲) اعتقاد دارند دو جنبه خاص از بازار رقابتی ممکن است انتظارات عمومی در مورد حق‌الزحمه حسابرسی را با محدودیت مواجه کند؛ جنبه اول بیانگر این واقعیت است که حسابرسی صاحبکاران جدید، به تلاش بیشتری برای کسب دانش کافی نسبت به ریسک‌های حسابرسی نیازمند است. جنبه دیگر، احتمال پیشنهاد قیمت پایین‌تر موسسه‌های حسابرسی به منظور جذب صاحبکاران است تا در آینده بتوانند حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش دهند. هویتاس و همکاران (۲۰۰۷) بر این باورند که با کاهش حق‌الزحمه حسابرسی، حسابرسان تلاش خود را کاهش و زمینه را برای دستکاری صورت‌های مالی فراهم آورده و با افزایش هزینه نمایندگی سبب تشدید رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی می‌شود.

فرضیه سوم: تخفیف حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

خانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت باشد دارای نرخ موثر مالیات کمتر، نرخ موثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی هستند که حسابرس آنها متخصص صنعت نیست. این امر نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای حسابرس متخصص در صنعت است.

خدمی‌پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافته‌اند که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد که اثر مناسب مالیاتی ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به عنوان بدهی برای شرکت به کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد. علاوه بر این نتایج حاکی از این است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تاثیر معناداری ندارد.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در پژوهش خود دریافته‌اند که بین اجتناب مالیاتی و تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و مالیات قطعی و ابرازی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این مطلب مبین آن است که دولت تمایل دارد مالیات بیشتری از شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی می‌نمایند اخذ نماید.

¹ Krana & Moser

پیش‌تر مشخص گردید که بین محافظه کاری و تفاوت مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد؛ یافته‌های این پژوهش مبین آن است که محافظه کاری نسبت به اجتناب مالیاتی، ابزاری کاراتری برای صرفه‌جویی در هزینه مالیات شرکت‌ها می‌باشد.

بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاثیر ساختارهای مدیریتی و مالکیتی حاکمیت شرکتی بر هزینه‌های نمایندگی به این نتیجه رسیدند که نفکیک پست مدیرعامل از ریاست هیات مدیره تاثیر منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. همچنین درصد سهام شناور آزاد بر هزینه‌های نمایندگی تاثیر مثبت می‌گذارد و استقلال هیات مدیره، درصد مالکیت دولتی، اندازه هیات مدیره، درصد مالکیت هیات مدیره و درصد مالکیت نهادی بر هزینه نمایندگی تاثیر ندارد.

میدو و شاکلفرد^۱ (۲۰۰۷) به بررسی تغییر نقش حسابرسان در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها برای مالیات بندی درآمد شرکت‌ها در قرن بیست و یکم پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بن خدمات حسابرسی و مالیاتی رابطه پایداری وجود دارد و به همین دلیل است که شرکت‌ها به خرید خدمات از حسابرس خود تمایل نمایش می‌دهند.

مینیک و نوگا^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی) را بر مدیریت هزینه مالیات جستجو نمودند. آن‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و کاهنده مالیات عمل می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می‌سازد، زیرا مالیات عایدات سرمایه‌ای کمتر است و مدیریت مالیات به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است. وان^۳ (۲۰۱۷) تاثیر مدیران مستقل بر اجتناب مالیاتی را بررسی نمود. او به نتیجه رسید که زمانیکه تعداد مدیران مستقل بیشتری در هیات مدیره حضور داشته باشند، سطح اجتناب مالیاتی پایین‌تر خواهد بود، زیرا هیات مدیره به عنوان یک مکانیزم کنترل داخلی می‌باشد که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.

فرضیه ی پژوهش

فرضیه اول: هزینه نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد.
فرضیه دوم: سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.
فرضیه سوم: تخفیف حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، نمونه از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری، انتخاب خواهد شد. به این ترتیب که نمونه، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

- اطلاعات صورت مالی آنها از سال ۱۳۹۲ به طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

¹ Meadow & Shackelford

² Minnick & Noga

³ Van

داده‌های مورد نیاز جهت متغیرهای پژوهش، در طول دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷، موجود باشند. که با توجه توجه به شرایط ذکر شده، منجر به انتخاب ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش شد.

مدل و متغیر پژوهش

در این پژوهش طبق مطالعه بردشو و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از مدل رگرسیونی حداقل مربعات معمولی به انجام آزمون فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود. مدل آماری پژوهش طبق مطالعه بردشو و همکاران (۲۰۱۹) به شرح زیر تدوین شده است.

مدل (۱) فرضیه اول

$$\text{Tax_avoid}_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 \text{AGEENCY_COST}_{it} + \alpha_3 \text{CONTOROL}_{it} + \alpha$$

مدل (۲) فرضیه دوم

$$\text{Tax_avoid}_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 \text{AGEENCY_COST}_{it} + \alpha_3 \text{INST} + \alpha_4 \text{INST} * \text{AGEENCY_COST}_{it} + \text{CONTOROL}_{it} + \alpha$$

مدل (۳) فرضیه سوم

$$\text{Tax_avoid}_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 \text{AGEENCY_COST}_{it} + \alpha_3 \text{FEECUT} + \alpha_4 \text{FEECUT} * \text{AGEENCY_COST}_{it} + \text{CONTOROL}_{it} + \alpha$$

متغیر وابسته:

سیاست اجتناب از پرداخت مالیات (Tax_avoid):

اجتناب از پرداخت مالیات؛ اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف می‌شود. برای محاسبه اجتناب از مالیات، از روش زیر استفاده می‌شود (کیم^۱ و همکاران ۲۰۱۱).

$$TA = \frac{\text{مالیات نقدی پرداختنی}}{\text{مجموع درآمد}}$$

از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک ضرب می‌شود.

متغیر مستقل

هزینه نمایندگی

رابطه نمایندگی به قراردادی اطلاق می‌شود که به موجب آن، یک (یا چند نفر) مالک از جانب خود، شخص (یا اشخاصی) را به عنوان نماینده برمی‌گزیند و اختیارات تصمیم‌گیری‌ها را به وی تفویض می‌نماید. با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین رابطه به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خویش می‌باشند و به همین خاطر، رابطه نمایندگی به مشکلات و مسائل نمایندگی منتهی می‌شود که بر اساس نظریه نمایندگی، دارای هزینه است (براساس نظریه نمایندگی، این احتمال وجود دارد تا مدیریت جهت افزایش منافع خود از قرار خود عدول کند و با انجام فعالیت‌هایی در جهت عکس منافع سهامداران و به هزینه آنها، منافع خود را افزایش دهد). در نتیجه مالکان باید مخارجی را متحمل شوند تا بتوانند منافع

¹ Kim

کارگزاران را با منافع خویش هم سو نمایند. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه شکل گیری رابطه نمایندگی پدید می آید، هزینه های نمایندگی نامیده می شود (جن سن و مکلینگ، ۱۹۷۶؛ نوروش و همکاران، ۱۳۸۸؛ فیصل، ۲۰۰۵؛ ساویترای، ۲۰۱۸). هزینه نمایندگی در این پژوهش از جریان نقد آزاد مدل لن نیولسن (۱۹۸۹) به شرح زیر قابل محاسبه است:

$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - INTEP_{it} - CSDIV_{it})$$

Fcf: جریان نقد آزاد شرکت i در سال t.

inc: سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در سال t.

tax: کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t.

Intep: هزینه بهره پرداختی شرکت i در سال t.

Csdiv: سود پرداختی به سهامداران عادی شرکت i در سال t.

متغیر تعدیلگر

INST: درصد سهام متعلق به سهامداران نهادی.

تخفیف حق الزحمه حسابرسی (FEECUT) از طریق درصد تغییرات حق الزحمه حسابرسی محاسبه می شود (محمدرضایی و محد صالح، ۲۰۱۷).

$$TA = \frac{Audfee_{it} - Audfee_{it-1}}{Audfee_{it-1}}$$

Audfee_{it}: حق الزحمه حسابرسی.

Audfee_{it-1}: حق الزحمه حسابرسی سال قبل تقسیم بر ۱+ نرخ تورم.

متغیرهای کنترلی

LNMVE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام

BM: نسبت ارزش دفتری با ارزش بازار سهام.

AG: سن شرکت.

ROA: بازده دارایی، سود تقسیم بر کل دارایی ها.

SIZE: اندازه شرکت، لگاریتم دارایی شرکت.

LEV: نسبت بدهی به کل دارایی ها.

INSTOWN: نوع شرکت، دولتی بودن یا نبودن، اگر بیش از ۵۰ درصد سهام متعلق به دولت یا شرکت های دولتی

باشد، یک و در غیر این صورت صفر.

$\sum IndustryDum_{it} \& \beta_k YearDum_{it}$: متغیر سال و صنعت

یافته های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می دهد. میانگین، اصلی ترین و مهم ترین شاخص مرکزی به شمار می آید. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می گردد، بطور میانگین، اجتناب از پرداخت مالیات در بین شرکت های مورد بررسی برابر ۰،۱۴۰، میانگین هزینه نمایندگی ۰،۰۲۶ می باشد. قدمت

حضور شرکت‌ها در بورس ۳,۶۹ می‌باشد همچنین، میانگین ارزش بازار به دفتری شرکت ۲,۴۰۲ واحد می‌باشد و میزان انحراف معیار برای این متغیر ۱,۲۰۴ می‌باشد. این شرکت‌ها حدود ۶۰ درصد منابع مالی خود را، از طریق بدهی تامین مالی می‌کنند و می‌توان عنوان کرد که ۶۰ درصد از شرکت‌ها ریسک مالی بالایی را پذیرفته‌اند. مقدار میانه اجتناب مالیاتی و هزینه نمایندگی به ترتیب ۰,۱۰۲ و ۰,۰۲۷ می‌باشد. از طرفی، معیارهای پراکندگی، برای متغیرهای اجتناب مالیاتی و هزینه نمایندگی ۰,۱۵۹ و ۰,۱۴۳ می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی

متغیرهای پیوسته						
نماد	متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
tax_avoid	اجتناب مالیاتی	۰.۱۴۰	۰.۱۰۲	۰.۶۰۹	۰.۰۰۰	۰.۱۵۹
Fcf	هزینه نمایندگی	۰.۰۲۶	۰.۰۲۷	۰.۳۰۹	-۰.۲۷۷	۰.۱۴۳
Invt	مالکیت نهادی	۰.۴۸۲	۰.۵۰۴	۰.۸۵۵	۰.۱۲۹	۰.۲۰۲
FeeCut	کاهش هزینه حسابرسی	۰.۰۱۶	-۰.۰۲۶	۰.۹۷۲	-۰.۴۹۰	۰.۳۴۵
Bm	ارزش بازار به دفتری	۲.۴۰۲	۱.۹۴۷	۶.۹۱۶	-۱.۰۰۰	۱.۹۴۴
Age	سن شرکت	۳.۶۹۵	۳.۸۲۹	۴.۱۰۳	۲.۹۹۶	۰.۳۳۶
Roa	بازده شرکت	۰.۰۹۳	۰.۰۷۴	۰.۳۷۱	-۰.۱۳۷	۰.۱۲۵
Size	اندازه شرکت	۱۴.۳۲۴	۱۴.۲۴۵	۱۶.۸۹۶	۱۲.۲۶۵	۱.۲۰۴
Lev	اهرم مالی	۰.۶۰۹	۰.۶۰۳	۱.۰۷۸	۰.۲۳۱	۰.۲۲۵
متغیرهای گسسته						
Pvstow	مالکیت دولتی		۳۶.۲۸۰	۶۳.۷۲۰	۲۸۳.۰۰۰	۴۹۷.۰۰۰

آزمون هم خطی

نتایج در جدول زیر ارائه شده است؛ که نشان می‌دهد میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون هم خطی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲): همخطی بین متغیرها

متغیر	فرضیه اول		فرضیه دوم		فرضیه سوم	
	عامل تورم واریانس	تورم	عامل تورم واریانس	تورم	عامل تورم واریانس	تورم
fcf	۱.۸۹۰	۰.۵۲۸	۱.۹۴۰	۰.۵۱۷	۱.۷۶۰	۰.۵۷۰
تعديلگر			۱.۲۹۰	۰.۷۷۶	۱.۲۲۰	۰.۸۱۸
متغیر متقابل			۱.۰۶۰	۰.۹۴۵	۱.۱۱۰	۰.۹۰۳
Bm	۱.۱۷۰	۰.۸۵۷	۱.۱۸۰	۰.۸۵۱	۱.۲۶۰	۰.۷۹۳
age	۱.۰۸۰	۰.۹۲۳	۱.۱۱۰	۰.۸۹۹	۱.۱۵۰	۰.۸۷۱
roa	۲.۷۹۰	۰.۳۵۹	۲.۷۹۰	۰.۳۵۹	۳.۱۴۰	۰.۳۱۹

۰.۷۳۵	۱.۳۶۰	۰.۸۱۱	۱.۲۳۰	۰.۸۱۱	۱.۲۳۰	اندازه شرکت	size
۰.۴۶۰	۲.۱۷۰	۰.۵۳۴	۱.۸۷۰	۰.۵۴۲	۱.۸۵۰	اهرم مالی	lev
۰.۹۲۵	۱.۰۸۰	۰.۸۱۴	۱.۲۳۰	۰.۹۳۰	۱.۰۷۰	مالکیت دولتی	pvstown
۱.۷۳۰		۱.۵۸۰		۱.۶۰۰		مقدار ثابت	Mean
کنترل شد.							سال و صنعت

تجزیه و تحلیل حاصل از برآورد مدل آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون فرضیه اول "هزینه نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد." در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	اماره t	احتمال آماره t
هزینه نمایندگی	۰.۱۶۹	۰.۰۷۳	۲.۳۲۰	۰.۰۲۱
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۹۸۰	۰.۳۲۹
سن شرکت	۰.۰۱۷	۰.۰۱۸	۰.۹۲۰	۰.۳۵۶
بازده شرکت	-۰.۲۹۴	۰.۰۸۴	-۳.۴۹۰	۰.۰۰۱
اندازه شرکت	۰.۰۰۸	۰.۰۰۵	۱.۷۵۰	۰.۰۸۱
اهرم مالی	۰.۰۵۵	۰.۰۳۲	۱.۷۱۰	۰.۰۸۷
مالکیت دولتی	۰.۰۰۵	۰.۰۱۲	۰.۴۲۰	۰.۶۷۵
مقدار ثابت	-۰.۳۲۰	۰.۰۹۱	-۳.۵۴۰	۰.۰۰۰
سال و صنعت	کنترل شد.			
ضریب تعیین	آماره f	احتمال آماره f		
۰.۱۱۳	۶.۴۶۰	۰.۰۰۰		

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در آزمون مدل مقدار احتمال آماره F برابر صفر بوده و این مقدار کمتر از ۰.۰۵ است پس فرض صفر در اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنادار می‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۱ درصد حدود تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

براساس نتایج مدل ارائه شده در جدول ۳ می‌توان بیان نمود که ضریب متغیر هزینه نمایندگی ۰.۱۶۹ است و احتمال آماره t این متغیر نشان می‌دهد در سطح احتمال ۹۵ درصد این متغیر معنادار می‌باشد. پس بین هزینه نمایندگی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. بدین ترتیب می‌توان بیان کرد ممکن است که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید.

مشکلات نمایندگی بین مدیر و مالک و عدم تقارن اطلاعاتی سبب افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. بر این اساس فرضیه "هزینه نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد." تایید می‌شود.

آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم "سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند." در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴): آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
هزینه نمایندگی	۰.۱۶۸	۰.۰۷۲	۲.۳۰۰	۰.۰۲۱
سهامداران نهادی	۰.۰۰۳	۰.۰۳۰	۰.۰۹۰	۰.۹۳۰
سهامداران نهادی* هزینه نمایندگی	۰.۰۷۲	۰.۲۳۷	۰.۳۰۰	۰.۷۶۲
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۹۳۰	۰.۳۵۳
سن شرکت	۰.۰۱۸	۰.۰۱۸	۰.۹۷۰	۰.۳۳۱
بازده شرکت	-۰.۲۹۴	۰.۰۸۵	-۳.۴۸۰	۰.۰۰۱
اندازه شرکت	۰.۰۰۸	۰.۰۰۵	۱.۷۴۰	۰.۰۸۲
اهرم مالی	۰.۰۵۵	۰.۰۳۲	۱.۷۱۰	۰.۰۸۸
مالکیت دولتی	۰.۰۰۴	۰.۰۱۳	۰.۳۳۰	۰.۷۳۹
مقدار ثابت	-۰.۳۲۴	۰.۰۹۱	-۳.۵۵۰	۰.۰۰۰
سال و صنعت	کنترل شد.			
ضریب تعیین	آماره f	احتمال آماره f		
۰.۱۱۳	۵.۹۳۰	۰.۰۰۰		

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در آزمون مدل مقدار احتمال آماره F برابر صفر بوده و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است پس فرض صفر در اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنادار می‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۱۱ درصد حدود تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

بر اساس نتایج مدل ارائه شده در جدول ۴ ضریب متغیر سهامداران نهادی ضرب در هزینه نمایندگی برابر ۰,۰۷۲ است و احتمال آماره t این متغیر نشان می‌دهد در سطح احتمال ۹۵ درصد این متغیر معنادار نمی‌باشد. پس بین سهامداران نهادی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی اثر تعدیلی ندارد. بر اساس مبانی نظری پژوهش، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، زمینه‌ی انحراف منافع به وسیله مدیران را ایجاد می‌کند که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی خوب ناشی از سرمایه‌گذاران نهادی، مسئله تضاد منافع باید کاهش پیدا کند. اما بر اساس نتیجه پژوهش مالکان نهادی تأثیری بر ارتباط بین هزینه نمایندگی و اجتناب از پرداخت مالیات ندارند، که این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که احتمالاً سرمایه‌گذاران نهادی بررسی دقیق و کافی در مورد فعالیت‌های مدیریتی مربوط به عملکرد شرکت را فراهم نمی‌آورند. بر این اساس فرضیه "سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند." تایید نمی‌شود.

آزمون فرضیه سوم

نتایج آزمون فرضیه سوم "تخفیف حق الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند." در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	اماره t	احتمال آماره t
هزینه نمایندگی	۰.۲۰۲	۰.۰۸۲	۲.۴۵۰	۰.۰۱۵
کاهش حق الزحمه حسابرسی	-۰.۰۰۷	۰.۰۱۹	-۰.۳۵۰	۰.۷۳۰
هزینه نمایندگی*کاهش حق الزحمه	-۰.۳۱۲	۰.۱۳۷	-۲.۲۸۰	۰.۰۲۳
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۵	۰.۰۰۳	۱.۴۸۰	۰.۱۳۹
سن شرکت	۰.۰۲۰	۰.۰۲۳	۰.۸۸۰	۰.۳۷۹
بازده شرکت	-۰.۳۶۴	۰.۰۹۸	-۳.۷۰۰	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۰۰۷	۰.۰۰۶	۱.۲۳۰	۰.۲۱۸
اهرم مالی	۰.۰۴۴	۰.۰۴۰	۱.۰۹۰	۰.۲۷۴
مالکیت دولتی	۰.۰۱۵	۰.۰۱۵	۰.۹۹۰	۰.۳۲۲
مقدار ثابت	-۰.۳۳۰	۰.۱۰۹	-۳.۰۳۰	۰.۰۰۳
سال و صنعت	کنترل شد.			
ضریب تعیین	اماره f	احتمال آماره f		
۰.۱۴۹	۵.۹۲۰	۰.۰۰۰		

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در آزمون مدل مقدار احتمال آماره F برابر صفر بوده و این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است پس فرض صفر در اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنادار می‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۱۴ درصد حدود تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

براساس نتایج مدل ارائه شده در جدول ۵ می‌توان بیان نمود که ضریب متغیر هزینه نمایندگی * تخفیف حق الزحمه حسابرسی برابر -۰,۳۱۲- و در سطح احتمال ۹۵ درصد این متغیر معنادار است ناگفته نماند برای محاسبه کاهش حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه تعدیل شده امسال را از حق الزحمه سال قبل کسر می‌کنیم پس اعداد منفی نشان دهنده این است که کاهش در حق الزحمه حسابرسی اتفاق افتاده است و اعداد مثبت نشان می‌دهد افزایش در حق الزحمه حسابرسی اتفاق افتاده است. بنابراین می‌توان بیان کرد حسابرسی صاحبکارانی مشکلات نمایندگی در شرکت آنها بیشتر است، به تلاش بیشتری برای کسب دانش کافی نسبت به ریسک‌های حسابرسی نیازمند است پس حق الزحمه بیشتری طلب می‌نماید اما با پیشنهاد قیمت پایین‌تر، موسسه‌های حسابرسی به منظور به صرفه بودن این قرارداد، از کیفیت کار کاسته و بررسی‌های دقیق کمتری را در برنامه کاری خود قرار می‌دهد پس با کاهش حق الزحمه حسابرسی، حسابرسان تلاش خود را کاهش و زمینه را برای دستکاری صورت‌های مالی فراهم آورده و با افزایش هزینه نمایندگی،

اجتناب از پرداخت مالیات تشدید می‌شود. لذا فرضیه "تخفیف حق الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند." تایید می‌شود.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهاد

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده، کمتر باشد. در ادبیات پژوهش اجتناب مالیاتی به‌عنوان کاهش مالیات ابرازی شرکت‌ها تعریف شده است (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). مطابق با این تعریف، اجتناب مالیاتی شامل فعالیت‌هایی قانونی و استراتژی‌هایی برای کاهش مالیات ابرازی است. اگرچه اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شامل یا متکی به تکنیک و برنامه مالیاتی خاصی نیست، ولی شرکت‌های مشابه باید فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مشابهی داشته باشند و در شرکت‌هایی که برنامه‌ریزی مالیاتی مشابهی دارند، آن‌هایی که بدهی مالیاتی کمتری دارند را می‌توان به‌عنوان شرکت‌هایی در نظر گرفت که بیشتر از مالیات اجتناب می‌کنند. یکی از عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی، هزینه نمایندگی می‌باشد.

یک شرکت می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از قراردادهای میان طرف‌های مختلف تلقی گردد. یکی از مهمترین این قراردادهای، قرارداد میان مدیران و سهامداران شرکت‌هاست که به دنبال جدایی مالکیت از مدیریت و بر پایه نظریه نمایندگی شکل می‌گیرد. در این قرارداد، سهامداران امور شرکت را به نمایندگان که همان مدیران باشند، واگذار می‌کنند و در مقابل، حق پاسخگویی مدیران در خصوص عملکرد ایشان را برای خود محفوظ می‌کنند و در مقابل، حق پاسخگویی مدیران در خصوص عملکرد ایشان را برای خود محفوظ می‌کنند. با وجود این، در قراردادهای مذکور ممکن است مدیران منافع شخصی خود را بر منافع سهامداران ترجیح دهند. این امر موجب بروز تضاد منافع در روابط نمایندگی می‌شود. وجود تضاد منافع در روابط نمایندگی سبب هزینه نمایندگی می‌شود. در غیاب سازوکارهای نظارتی، احتمال اینکه مدیران منابع تحت کنترل خود (متعلق به سهامداران) را در راستای تأمین اهداف شخصی بکار گیرند بیشتر می‌شود. وجود تضادهای نمایندگی، جدایی مالکیت از مدیریت و افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند به اتخاذ رویکرد جسورانه و متهورانه نسبت به مالیات کمک کند (خواجه‌وی و سروسناتی، ۱۳۹۶).

سهامداران نهادی یکی از عواملی است که می‌تواند بر فعالیت‌های شرکت تأثیر بسزایی بگذارد. آنان با ایجاد نظارت و کنترل بیشتر سبب کاهش هزینه نمایندگی و رفتارهای منفعت‌طلبانه مدیران نظیر اجتناب مالیاتی می‌شوند. همچنین، پژوهشگرانی همچون گوپتا و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که کاهش در حق الزحمه حسابرسی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را در پی داشته باشد. حق الزحمه کمتر حسابرسی با تأثیری که بر فعالیت و کار حسابرسی می‌گذارد، زمینه را برای هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی فراهم می‌آورد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که هزینه نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد و تخفیف حق الزحمه حسابرسی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند. اما سهامداران نهادی، رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند.

محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح ذیل قابل ذکر است:

۱. قلمرو زمانی مطالعه حاضر از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ می‌باشد، بنابراین باید در تعمیم نتایج پژوهش به سال‌های قبل از ۱۳۹۲ و بعد از ۱۳۹۷ با احتیاط عمل شود.

۲. داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج بدست آمده از آن برخی از پیشنهاد‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:
بر مبنای یافته‌های حاصل از آزمون کلیه فرضیه‌های این پژوهش، به حساب‌رسان و نهادهای ناظر مالی نظیر سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های خود مشکلات نمایندگی و اجتناب مالیاتی مورد بررسی و توجه قرار دهند.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود میزان سازمان امور مالیاتی به هنگام بررسی‌ها و ممیزی‌های مالیاتی در شرکت‌های سهامی عام که مسئله نمایندگی و جدایی مالکیت از مدیریت بیش از سایر اشخاص حقوقی در آن‌ها مطرح است، توجه مضاعفی را در خصوص صحیح بودن مالیات ابرازی آنان مبذول داشته و با تردید حرفه‌ای بیشتری امر رسیدگی را انجام دهند.

با توجه به اهمیت تاثیر هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، سرمایه‌گذاران در انتخاب واحد تجاری به منظور سرمایه‌گذاری و اعتباردهندگان در تصمیمات اعتباردهی و نحوه تنظیم قرارداد موضوع سهامداران نهادی و هزینه نمایندگی را مدنظر قرار می‌دهند. چرا که فراهم کردن شرایط استقرار سازوکارهای نظارتی و کنترلی سبب کیفیت ارقام و در کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

نقش میانجی‌گری کیفیت افشا بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی.

نقش میانجی‌گری حق‌الزحمه حسابرسی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و کارایی قیمت سهام.

تاثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی.

تاثیر خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی.

تاثیر ثبات مالکیت نهادی بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی.

تاثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر رابطه بین هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی.

منابع

- ✓ تقوی، مهدی، جبارزاده کنگرلویی، سعید، خدایاریگانه، سعید، (۱۳۸۹)، تبیین رابطه هزینه‌های نمایندگی و ارزش شرکت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مهندس مالی مدیریت اوراق بهادار، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- ✓ جامعی، رضا، رمن، حجت، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد مدل معادلات ساختاری، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۸۵-۲۱۰.
- ✓ حاجیان نژاد، امین، دانش سروردی، رسول، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری، انجمن حسابداری ایران، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- ✓ حیدری، مهدی، دیدار، حمزه، قادری، بهمن، (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر هزینه‌های نمایندگی بر معیارهای ارزیابی عملکرد، رویکرد الگوسازی مدل‌های ساختاری، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۷۷-۱۰۱.
- ✓ خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، یوسفی، امین، (۱۳۹۳)، اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل موثر بر آن، پژوهش حسابداری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۴۲.
- ✓ خدادادی، ولی، قربانی، رامین، خوانساری، نیکو، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۵۷-۷۲.

- ✓ خواجهی، شکرالله، سروستانی، امیر، (۱۳۹۶)، اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۵-۲۸.
- ✓ مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر مالیات بر درآمد حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکتها، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۳-۲۳.
- ✓ مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، سیدحسینی، مصطفی، جهرومی، مهتاب، (۱۳۹۲)، تئوری حسابداری، چاپ دوم، انتشارات نگاه دانش، تهران.
- ✓ واعظ، سیدعلی، رمضان احمدی، محمد، رشیدی باغی، محسن، (۱۳۹۳)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکتها، دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.
- ✓ Bradshaw, M. Liao., G. & Ma, Mark. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*, 67 (2019) 255–277.
- ✓ Carson, E., & Fargher, N. (2007). Note on audit fee premiums to client size and industry specialization. *Accounting and Finance*, 47(3), 423-446.
- ✓ Desai, M. A., and D. Dharmapala. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value", *The Review of Economics and Statistics*, PP.[91].
- ✓ Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). Taxation and the Evolution of Aggregate Corporate Ownership Concentration. In: Auerbach, A., Hines, J.
- ✓ Desai, M.A., Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- ✓ Gupta, S., Newberry, K. (1997), Determinants of the variability in corporate effective tax rates: Evidence from longitudinal data. *Journal of Accounting and Public Policy*, 16(1), 1-34.
- ✓ Hanlon, Michelle and Heitzman Shane (2010). "A review of tax research", *Journal of Accounting and Economics*, 50(2): 127-178.
- ✓ Hoitash, R., Markelevich, A.J. & Barragato, C. A. (2007). Auditor Fees and Audit Quality. *Managerial Auditing Journal*, 22(8). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1025904>.
- ✓ Khuruna and Muser w, institutional ownership and tax aggressiveness. (2009). working paper. University of Missouri at Columbia. www.ssrn.com
- ✓ Kim, J.B., Li, Y., Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662.
- ✓ Kim, Y., Li, H., & Li, S. (2011). "CEO Equity Incentives and Audit Fees". [aaahq.org/AM2011/abstract.cfm?submissionID=\[2344\]](http://aaahq.org/AM2011/abstract.cfm?submissionID=[2344]).
- ✓ Martynova, M., Renneboog, L. (2009). What determines the financing decision in corporate takeovers: Cost of capital, agency problems, or the means of payment? *Journal of Corporate Finance*, 15(3), 290-315.
- ✓ Savitry, E.. (2018). Relationship Between Family Ownership, Agency Costs Towards Financial Performance And Busines Strategy As Mediation. *Issn 1648-0627 / eIssn,1822-4202*.
- ✓ Shleifer, A., Vishny, R (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94, 461–488.
- ✓ Van Der Pilos, Nina. (2017). Tax Avoidance and Corporate Governance. Does the board of directors influence tax avoidance? Unpublished master's Thesis. Erasmus School of Economics.